دیدگاه

نگران کودکانی باشیم که در بیابان متولد می‌شوند

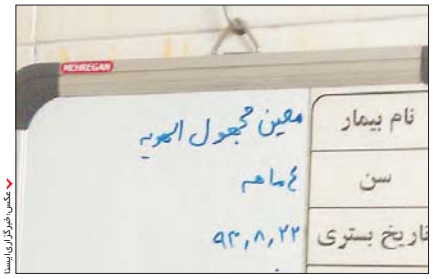

عکس: خبرگزاری ایسنا

عکس: خبرگزاری مهر

عکس: جمعیت طلوع بی‌نشان‌ها

عکس: خبرگزاری تسنیم

اکبر رجبی
مدیر جمعیت طلوع بی‌نشان‌ها

نیت طلوع بی‌نشان‌ها برای پرداختن به ایتام اجتماعی باوری است که بر مبنای انتخاب شدن آدم‌ها شکل گرفته است. هر روز در شهر ما اتفاقات زیادی می‌افتد. کارتن‌خوابی، زن‌های خیابانی و... در صورتی که مسئولانی هستند که هنوز این مسائل را باور ندارند. البته باور آنها هم فرقی نمی‌کند چراکه این پدیده‌ها وجود دارند. ما باید پای همه دگر بایستیم. بنا بر آمارهای دولتی تعداد کارتن‌خواب‌های مرد تهران ۱۵ هزار نفر و تعداد خانم‌های کارتن‌خواب ۱۰۰۰ تا ۳هزار نفر است. تعداد بچه‌های کارتن‌خواب آن‌قدر زیاد نیست که نتوانیم کاری انجام دهیم و هر کس با توانایی‌ای که دارد می‌تواند بچه‌های کارتن‌خواب را سرپرستی کند. فقط کافی است که پای کار باشیم و تلاش کنیم. «معین» یک برگ است. او باعث شده که یک اتفاق بزرگ بیفتد و بنای شکسته شود.

نشانه و علامت ما در طلوع بی‌نشان‌ها یک اثر انگشت است. این نشانه فقط یک هویت نیست. ما همیشه انگشت‌مان را سمت آدم‌ها گرفته‌ایم و اگر کسی را در خیابان می‌بینیم تفسیر را گردن یکدیگر می‌اندازیم. ما همه چیز را تاب آورده‌ایم، زن کارتن‌خواب را، بچه‌ها را. اما خرید و فروش بچه در خیابان را تاب نمی‌آوریم. تمام داستان از اول خلقت انسان بوده و آزادگی‌اش؛ پیامبران برای همین آمده‌اند که انسان آزاده باشد.

من وقتی «معین» را در خیابان دیدم درد نکشیدم. از این ناراحتم که خیلی‌ها در خیابان می‌خوابند «معین» را بخرند. بی‌صاحب بودن یک چیز است که باعث خرید و فروش آن می‌شود. خیلی‌ها دنبال خرید و فروش «معین» هستند. نباید «معین»ها خرید و فروش شوند. باید چرایی این قضیه را بررسی کرد. چرا «معین»ها در خیابان زندگی می‌کنند؟

ما برای «معین» کاری نکردیم. این کارتن‌خواب‌ها بودند که او را پیدا کردند. «معین» در یکی از آبین‌های مهرورزی سه‌شنبه‌های طلوع پیدا شد. تا مدتی هم بچه‌ها برای او پوشاک و شیرخشک و آب خنک می‌بردند. البته او برای مدتی گم شد و خانواده‌اش به ما اعتماد نکردند. در حال حاضر شکر خدا «معین» در بیمارستان است و دارد می‌خندد. او خماری پس ده‌هما لبخندروی لبش است.

یک شب او به همراه مادر و پدرش میهمان جمعیت طلوع بی‌نشان‌ها بود و بچه‌ها او را تمیز کردند و به حمام بردند. «معین» از لذت خوشحالی نمی‌خوابید و از نور لذت می‌برد. در صورتی که قاعده‌اش این است که او خماری پس می‌دهد. «معین» حالا خوشبختانه در بیمارستان است. باید دید که برای «معین» و «معین»ها چه کار می‌توان کرد؟ چه اتفاقی می‌افتد که «معین» به وجود می‌آید؟ اصلا آنها چه حق و حقوقی دارند؟

درد ما این است که عده‌ای در خیابان‌های تهران می‌خوابند که حق انسان بودن ما دیدن این آدم‌ها نیست. این آدم‌ها به خاطر بد بودن بلکه به خاطر بی‌تفاوتی ما در خیابان خوابیده‌اند.

تعریف ما از کارتن‌خوابی تنهایی به علاوه تنهایی است. کسی که همه تنهایش گذاشته‌اند. باید دید که چگونه می‌شود او را از تنهایی درآورد به اجتماع رساند. تنهایی به علاوه تنهایی می‌شود نسل قربانی و نسل قربانی می‌شود «معین».

ترکیب بچه‌های کارتن‌خواب را اولین بار طلوع وارد واژه‌های اجتماعی کرد؛ درست مثل ایتام اجتماعی. زمانی دغدغه ما این بود که بچه‌های سر چهارراه‌ها هستند که به‌عنوان بچه‌های کار و خیابان شناخته می‌شوند و مشغول گل و قال‌فروشی هستند. اما حالا با بچه‌هایی مواجه هستیم که دارند در بیابان‌های تهران به دنیایی آینده به راستی آنها چه وضعیتی خواهند داشت؟

۱۰ سال است که طلوع بدون وقفه سه‌شنبه شب‌ها بین کارتن‌خواب‌ها غذا پخش می‌کند و باعث شده که آنها به ما اعتماد کنند. بسیاری از کارتن‌خواب‌ها حالا پس‌زنهبود یافتگی در فعالیت‌های مختلف اجتماعی حضور دارند.

ما به‌عنوان یک شهروند می‌توانیم مطالباتی داشته باشیم. ما می‌توانیم پرسشگر باشیم و برای همه گروه‌ها دغدغه ایجاد کنیم. رسانه‌ها در این میان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند و وارد این جریان شوند. آدم‌هایی وجود دارند که به کمک ما نیازمندند اما سر چهارراه‌ها نیستند که دیده شوند بلکه در شکم مادرانشان زندگی می‌کنند

درباره «معین» به آن توجه کنیم این است که حالا چه اتفاقی برای او می‌افتد. مادر «معین» در مواقع سرزدن به او به ما اعتماد نمی‌کرد، پدر «معین» هم می‌خواست پاک شود و لبخند «معین» هم همین را می‌گفت. اما جدا کردن «معین» از مادرش کار سختی بود. ما اصلا با جدا شدن بچه از خانواده‌اش موافق نیستیم اما کار «معین» به جایی رسید که سرش را سگ گاز گرفته بود. ما در زمینه مردان کارتن‌خواب هنوز در زمینه زنان جای کار وجود دارد و می‌توان فعالیت کرد.

ما از ۲۵ غذای اضافه یک جشن خانوادگی حالا به ۳هزار و حتی ۱۰ هزار غذا در هفته رسیده‌ایم. این غذا ما را از پارک المهدی به دروازه غار برد. کم‌کم آدم‌ها زیاد شدند و حالا هر سه‌شنبه آیین مهرورزی انجام می‌شود. حالا دیگر دغدغه‌مان غذا دادن به کارتن‌خواب‌ها نیست و الان دنبال پرسشگری برای رسیدن به پاسخ نسبت به بی‌توجهی آدم‌ها هستیم و با پدیده‌هایی مثل بچه‌های کارتن‌خواب روبه‌رو شده‌ایم. این بچه‌ها حقشان زندگی در خیابان نیست. «معین» امروز دارد یک پیام به ما می‌دهد. باید دقت این پیام باز و مفهوم آن مشخص شود. «معین» برای همه ما یک پیام دارد. او بعد از درمان به شیرخوارگاه می‌رود و مادرش هم برای درمان در یک مرکز قرار دارد و سه‌ماه دیگر بیرون می‌آید و جایی برای زندگی ندارد و در آن وقت بچه‌اش را از دست داده و به یک پاتوق دیگر می‌رود و این قضیه دوباره تکرار می‌شود.

نکته مهمی که باید خانواده کارتن‌خواب باید یک چتر حمایتی پیوسته داشته باشد. آیا می‌توان دوباره «معین» را به مادرش رساند؟ «معین» باید با مادرش زندگی کند. اگر یک بچه بهترین امکانات را داشته باشد اما باز هم نیازمند مهر است. او مادر می‌خواهد. مادر «معین» بیرون می‌آید و با این وضعیت ممکن است شرایط ویژه‌تری برای زندگی انتخاب کند.

قانونی در بهزیستی وجود دارد که می‌توان متناسب با آن یک مرکز آموزش برای کودکان ایجاد کرد، برای بچه‌های کارتن‌خواب (ایتام اجتماعی) که پدر و مادر دارند اما کاسبی نمی‌تواند آنها را بگیرد هیچ مرکزی وجود ندارد. ما نمونه‌های بسیاری در زمینه کودکان کارتن‌خواب داشته‌ایم از ۶ تا ۱۶ ساله. آنها بدون چتر حمایتی بزرگ می‌شوند، البته ما توانستیم در برخی از موارد پدر و مادر این بچه‌ها را به کمپ بفرستیم و خودشان را هم در یک سرپناه امن با مراقبت بزرگ کنیم

ما به‌عنوان یک شهروند می‌توانیم مطالباتی داشته باشیم. ما می‌توانیم پرسشگر باشیم و برای همه گروه‌ها دغدغه ایجاد کنیم. رسانه‌ها در این میان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند و وارد این جریان شوند. آدم‌هایی وجود دارند که به کمک ما نیازمندند اما سر چهارراه‌ها نیستند که دیده شوند بلکه در شکم مادرانشان زندگی می‌کنند.

عکس: جمعیت طلوع بی‌نشان‌ها

عکس: خبرگزاری ایسنا

ذره بین

همه با هم بحران کودکان کارتن‌خواب را حل کنیم

سارا چرتابیان
معاون جمعیت طلوع بی‌نشان‌ها

اتفاق بزرگی که دارد در طلوع شکل می‌گیرد داستان خانواده کارتن‌خواب است که با عنوان ایتام اجتماعی از آن یاد می‌کنیم. بشریت از هر زاویه‌ای که نگاه شود روز به روز از لحاظ اخلاقی سقوط کرده است. در حال حاضر اتفاق زیبای کانون خانواده درست شکل نمی‌گیرد و حتی در درون خانواده افرادی هستند که کارتن‌خواب خانه هستند و حالا این مساله یک شکل انحطاطی پیدا کرده و به خانواده کارتن‌خواب تبدیل شده است.

جالب این جاست که «معین» از یک خانواده کارتن‌خواب به دنیا می‌آید و ما به‌عنوان یک موسسه مردم نهاد و مرکز اجتماعی نمی‌توانیم در حال حاضر کار خاصی انجام دهیم و معتقدیم بهترین و تنها کسانی که باید او را در آغوش بگیرند، پدر و مادر معین هستند. تلاش ما این است که خانواده کارتن‌خواب را حمایت کنیم. نه تنها کودکی که در آینده به کودک کار و خیابان تبدیل می‌شود بلکه پدر و مادر او را نیز حمایت کنیم. بحث این است که این اتفاق تبدیل به یک کانون شود و خانواده در مسیر آگاهی و با سلامت لازم پیش برود.

ما تا به حال در زمینه زنان و کودکان مجوز فعالیت نداشته‌ایم اما از این به بعد می‌خواهیم در این مورد هم وارد شویم چون تازمانی که کودک، مادر و پدر راهنمزمان حمایت نکنیم یک جای کار می‌لنگد و بروسه درمانی کامل نمی‌شود. ما درباره آقایان این کار را انجام داده‌ایم که از آن به‌عنوان یک پدیده نو یاد می‌شود؛ کاری خودجوش که علم، تجربه و احساسات در آن باهم عجین شده‌بود.

بحث من وجود یک کودک مانند «معین» نیست باید به باور تحول و شدن رسید و «معین»ها را نجات داد و نسبت به آنها بی‌توجه نبود. آن وقت نتیجه‌اش سرای امید می‌شود که میزبان روزی ۱۲۰ تا ۱۵۰ کارتن‌خواب بهبود یافته است

هدف ما تاکید روی مردم است چرا که خود ما مرکزی مردمی هستیم و انگشت اشارمان را سمت فرد دیگری نمی‌گیریم. همه تلاش ما این است که در درجه اول خانواده نجات پیدا کند خانواده‌ای که در گیر ناآگاهی است و از سر بی‌توجهی مادچار چنین وضعی شده است. وقتی به اصل و ریشه نگاه می‌کنیم به عدم آگاهی می‌رسیم. باید با یک تلنگر شعور خفته را بیدار کرد. ما نمی‌خواهیم جلوی کسب بایستیم. ما انگشت اشارمان را از روی دولت برداشته‌ایم و گفته‌ایم که ما مردمی هستیم اما در جاهایی باید قوانینی برای حمایت از خانواده افراد آسیب‌دیده و به‌ویژه کودکان کارتن‌خواب دیده شود. این افراد نهایتا به دست بهزیستی سپرده می‌شوند اما آیا یک حمایت پیوسته برای مادر، پدر و کودک هست یا آنها جداگانه حرکت می‌کنند؟ باید آنها همراه هم آموزش و درمان شوند. بحث دیگر هم این است که اصلا ما چقدر اجازه داریم که به کودک کار رسیدگی کنیم؟ مرز بین مهربانی و ترحم کجاست؟ قصد ما یکدست کردن است. هر چند آن قدر فاصله طبقاتی زیاد شده که نمی‌توان همه را به این سادگی‌ها کنار هم دید. تلاش‌های زیادی انجام شده اما به دلیل آن که خانواده مرکزیت نداشته‌بی‌نتیجه مانده‌است. ما آمده‌ایم که خانواده کارتن‌خواب را تحت حمایت درست قرار دهیم و درمان کنیم. آن‌وقت است که می‌توان نتیجه درستی گرفت.

هیچ کس به اندازه مادر و پدر «معین» حق داشتن او را ندارد. «معین» پدر و مادر خودش را می‌خواهد. ما نمونه‌ای داشته‌ایم که پدر کودک می‌خواست پاک شود اما فرزند او نمی‌گذاشت و می‌خواست با خانواده در سرما و پیوله‌های مختلف زندگی کند. بچه‌ها دوست ندارند از خانواده خود جدا شوند.

بحث من وجود یک کودک مانند «معین» نیست باید به باور تحول و شدن رسید و «معین»ها را نجات داد و نسبت به آنها بی‌توجه نبود. آن‌وقت نتیجه‌اش سرای امید می‌شود که میزبان روزی ۱۲۰ تا ۱۵۰ کارتن‌خواب بهبود یافته است. افرادی که بین یک تا ۱۳ بار سابقه زندان رفتن داشته‌اند.

ما با انجام کارهای داوطلبانه در این زمینه، دنبال رستاخیز آگاهی هستیم که انسانیت خفته آدم‌ها بیدار شود و برخوردمان با یک کودک سر چهارراه تنها با یک آخ گفتن تمام نشود. هنوز انسان‌هایی هستند که به ما می‌گویند چرا این آدم‌ها را نمی‌سوزانید اینها خوب بشو که نیستند.

باید به معین‌های درحال تولد نگاه کرد. نسل بعدی وضعیت فعلی کارتن‌خوابی بچه‌های کارتن‌خواب خواهند بود. بچه‌هایی که در این فضا به دنیا می‌آیند ما الان در فرحزاد زن ۴ ماهه و ۶ ماهه داریم و حتی خودشان نمی‌دانند که باردار هستند. باید این خبر منتشر شود تا هر کسی به نوبه خودش بلند شود و قدمی بردارد. طلوع از جایی شروع به حرکت کرد که یک نفر گام برداشت و جنبش بزرگی را راه انداخت و که حالا هر سه‌شنبه آیین مهرورزی برگزار می‌شود و از توزیع ۲۵ غذا به ۳هزار غذا رسیده است. بحث ما دیگر سیر کردن شکم کارتن‌خواب‌ها نیست بحث ما تکان دادن ذهن‌ها و واکنش نسبت به بی‌توجهی است. با غذا دادن جذب کردن درمان و آموزش. ما حالا دنبال آن هستیم که آموزش‌ها را همه افراد خانواده ببینند و وارد پروسه اشتغال شوند. همه این موارد باید با آگاهی‌رسانی انجام شود. این قضیه نیاز به یک کارجمعی و هدف‌مند دارد. باید همه باهم مشارکت کنند و کارتن‌خوابی به سامان برسد.

آدم که آن دلیل دلش برای «معین» می‌سوزد که او حتی قدرت راه رفتن هم ندارد. ما می‌خواهیم بذر این روش را در ذهن همه مردم بکاریم که نسبت به این قضایا بی‌توجه نباشند. تا نسل آینده‌مان سلامت‌تر از آنچه امروز هستند زندگی کنند. فاصله بین این‌جا و آن نسل تعداد انسان‌هایی است که دارند قربانی می‌شوند و همه ما انسان‌ها نسبت به آن مسئول هستیم. هر کس نسبت به بضاعتی که چه با کمک فعالیت داوطلبانه و چه با کمک مالی می‌تواند این قضیه را پیش ببرد. خیلی از چیزهایی که برای خانواده‌های مختلف بدون استفاده است برای عده‌ای چراغ خانه است.

ایرانیان هنوز احساس مسئولیت می‌کنند و حتی نسبت به افراد مسنی که از کنارشان عبور می‌کنند حساسیت دارند. کافی است دست به دست هم داد و قبل از بحرانی شدن پدیده کودکان کارتن‌خواب آن را به سرانجام مناسبی رساند.

شبکه

واکنش مردم نسبت به خبر کوچکترین کارتن‌خواب دنیا

خبر پیدا شدن «معین» کوچک‌ترین کارتن‌خواب دنیا واکنش‌های متفاوتی را در بر داشت. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از پیام‌های مردمی است که در یکی از شبکه‌های اجتماعی درج شده؛ تمام این پیغام‌ها با هویت ناشناس ثبت شده‌اند:

• این مسلمانی است؟ و آیا ما مسلمانیم؟

• لااله الاالله به کجا داریم می‌ریم؟!

• تاسف‌بارترین خبری که تا حالا شنیده بودم

• هرچی آمار بده مربوط به ایرانه

• عجب عجب. بعد فردا این بچه که امروز هیچکس توجهی بهش نمی‌کنه و در فقر و بدبختی بزرگ می‌شه اگر خلافی بکنه باز بعضی‌ها میان می‌گن اعدامش کنید. دیگه نمی‌گن کودکی چنین افرادی چطور بوده، فرهنگشون در چه حدی بوده. دیگه نمی‌گن تربیت‌شون از تربیت قرون وسطایی هم پست‌تر بوده.

• خب خدا رو شکر... همه رکوردها دست ماست

• فقر، تحریم، رکود، فلاکت، مرگ‌ومیرو...

• اگر می‌خواهید برای رضای خدا کاری کنید مادر و کودک را نجات دهید و برگردانید در آغوش هم که به دلگرمی همدیگر بتوانند مشکلات را تحمل کنند نه اینکه از هم این گونه بی‌رحمانه جدایشان کنید

• واقعا دل هر انسان باشرفی به درد میاد از دیدن چهره معصوم این طفل بی‌گناه و خوندن این مطالب

• ننگ برما اگر بازیچه بازی های کثیف دنیا بشیم و حواسمون به اصل موضوع بندگی نباشه

• کجا داریم میریم؟ راه گم کردیم رفقا